

شاهرخم بلند بلند به خوشمزگی های برادرش میخندید که با غیض گفتم:

_هه هه هه! چیه الکی کرکرتون هواست؟ ادم ندیدین؟

شاهرخ با خنده گفت:

_خرس گنده ای که بیست و پنج سالش باشه اما بشینه کارتون ببینه نه والا ندیدیم!

با لج زبونی در اوردم:

_عه؟ چشت روشن حالا ببین.

با دیدن هیکاپ و استریت که کنار هم نشسته ان با ذوق برگشتم و گفتم:

_وای چقد ازین پسره خوشم میاد. بغلش کن دیگه اه!

نچ نچ هاشون هوا بود که شاهرخ گفت:

_یعنی مردم دنبال چین! تو دنبال چی بچه! هیپاپ کیه دگ؟ غلط کردی از پسره

خوشت میاد، کدوم پسره؟

با بی حواسی گفتم:

_هیپاپ چیه بابا، هیکاپ. اخ الان میبوستش ینی!

_خجالت بکش اینا چیه نگاه میکنی؟

چشم غره ای رفتم:

_حرف بیخود نزن، بیاین پیش من نگاه کنین خیلی باحاله.

با دیدن اژدهاچه شهیاد گفت:

عه چه باحاله اژدهاش!

با ذوق گفتم: اره همشون یه اژدها برای خودشون دارن خیلی خفته.

جفتشون رام شدن و اومدن نشستن کنارم و کم کم هرسه تامون محو فیلم شدیم.

شاهرخ داد زد: زهرا تخمه و اب پرتقال بیار برامون.

نمیدونم کی تخمه و اب پرتقال رو آورد و ما سه تا عین بچه‌ها مشغول کارتون دیدن بودیم.



کاربر گرامی جهت اطلاع از زمان پارت بعدی این رمان و دسترسی راحت تر به

پارت های جدید لطفا در کانال و پیج اینستاگرام ما عضو شوید :

جهت عضویت در کانال تلگرامی و اینستاگرامی ما روی عکس زیر کلیک کنید

(برای عضوین در کانال تلگرامی فیلتر شکن را روشن کنید سپس کلیک کنید)

عضویت در کانال تلگرامی رمان پلاس

اطلاع از زمان دقیق آپدیت ها / دسترسی سریعتر به پارت های جدید / اخبار سایت و..



عضویت در پیج اینستاگرام فایل استار

اطلاع از تیزر رمان های برتر / اخبار دنیای رمان / دسترسی به نویسنده رمان ها

